

حقوق بشردوستانه در مراحل مختلف جنگ از منظر فقه

محمد جمعه حسینی^۱

چکیده

پژوهش حاضر کوشیده است به این سؤال پاسخ گوید: که حقوق بشردوستانه از منظر فقه اسلامی چگونه تبیین می‌شود؟ حقوق بشردوستانه به مجموعه‌ای از اصول و قواعدی اطلاق می‌شود که برای حفاظت از افراد زخمی، غیرنظامی و آسیب‌پذیر در زمان جنگ و درگیری‌ها طراحی شده است. از منظر فقه، مفهوم حقوق بشردوستانه بر پایه متون دینی و آموزه‌های اسلامی مانند قرآن و سنت نبوی شکل می‌گیرد. حقوق بشردوستانه اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مبانی قرآنی و روایی تبیین می‌گردد و مواردی از حقوق بشردوستانه در مراحل مختلف جنگ با نگرش فقهی مورد بحث قرار می‌گیرد. اسلام در قرن هفتم میلادی ظهور کرد و عنوان کلی التزام به «حق الناس» یعنی عدم تجاوز به حقوق مردم را همراه داشت که حقوق بشردوستانه از این قانون کلی به‌دست می‌آید، ولی اصطلاح رسمی حقوق بشردوستانه تا قبل از نیمه قرن نوزدهم شکل نگرفته بود. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که حقوق بشردوستانه اسلامی ضمن اینکه اصول اخلاقی بالا دستی پویا و انعطاف پذیر فرا زمانی و مکانی دارد، از جنبه نظری و هم در بحث عملی مترقی و پویا می‌باشد از بازدارندگی و ضمانت اجرای ویژه‌ی برخوردار است. **واژگان کلیدی:** حقوق بشردوستانه، فقه، جنگ، اسلام، قرآن، سنت معصومین.

۱. دانشجوی دکتری فقه سیاسی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه-قم

ایمیل: afgn1362@yahoo.com

مقدمه

جنگ و درگیری‌های مسلحانه به اندازه‌ی تاریخ بشر قدمت دارند و طرفین متخاصم از تمام ابزارهای خود برای رسیدن به پیروزی استفاده می‌کنند. در طول تاریخ بشر، ادیان، مکاتب اخلاقی، فلاسفه و حقوق‌دانان تلاش کرده‌اند با پذیرش این واقعیت تلخ، قوانینی وضع کنند تا تبعات و خسارات جنگ را کاهش دهند. سازمان ملل نیز در قالب معاهدات ژنو (۱۹۴۹) اصول حقوق بشردوستانه را به تصویب رساند. اسلام نیز از همان آغاز طلوعش، قوانین بشردوستانه‌ای را در شرایطی که سلاح‌ها محدود به شمشیر، نیزه و منجنیق بود و جنگ‌ها به صورت رودررو انجام می‌شد، وضع کرد. اما با پیشرفت فناوری و تغییر روش‌های جنگ‌ها، این سؤال مطرح است که آیا اصول و قوانین بشردوستانه‌ای که در آن زمان تدوین شده‌اند، همچنان در عصر حاضر کارایی دارند؟ نوشتار حاضر تلاش می‌کند با بررسی مبانی فقهی، پاسخ این پرسش را در سه مرحله‌ی قبل از جنگ، حین جنگ و بعد از جنگ به صورت خلاصه ارائه دهد.

۱. پیشینه موضوع

اصطلاح حقوق بشردوستانه به عنوان موضوع جدید، سابقه‌ی در روابط بین‌الملل دارد که به نیمه قرن نوزدهم (۱۸۵۸ میلادی) بازمی‌گردد. در آن زمان، جنگ ویرانگری بین ایتالیا، فرانسه و اتریش در منطقه سولفرینو (شمال ایتالیا) رخ داد که منجر به حدود ۴۰ هزار معلول شد. یک بازرگان سوئسی که شاهد این فاجعه بود، کتابی با عنوان «خاطرات سولفرینو» نوشت و دو پیشنهاد ارائه کرد:

۱ - تشکیل کمیته‌هایی در همه کشورها برای کمک به مجروحان بدون توجه به ملیت یا عقیده آنها.

۲ - تصویب قوانین حقوق بشردوستانه توسط دولت‌های جهان در یک کنگره جهانی بر اساس اصول غیرقابل تخلف.

براین اساس در سال ۱۸۶۴ سازمان صلیب سرخ تشکیل و پس از جنگ جهانی اول و تجارب حاصل از خسارات فراوان ناشی از آن، در سال ۱۹۴۹ در ژنو چهار معاهده و در



سال ۱۹۷۷ دو الحاقیه برای رفع نواقص آن معاهدات به آن ضمیمه شد که در مجموع دارای حدود ۶۰۰ ماده و قواعدی است که تقریباً تمام جوانب حمایت از افراد بشر در زمان جنگ را مورد توجه قرار می‌دهد (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۸).

کتاب «حقوق بشردوستانه اسلامی» به زبان فارسی توسط جمعی از نویسندگان نشر یافته و مقالاتی نیز توسط محققان نگاشته شده اند، از جمله: «حقوق بشردوستانه در اسلام» توسط علی اکبر علی خانی در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسیده و مقالاتی نیز در زمینه «حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی» به صورت تطبیقی انجام شده است. علی‌رغم این، تبیین حقوق بشردوستانه از منظر فقه اسلامی در سه حوزه پیش از جنگ، حین جنگ و پس از آن، همچنان نیازمند پژوهش می‌باشد و تحقیق حاضر با این هدف نگاشته شده است.

در حقوق بشردوستانه اسلامی، می‌توان دو نکته اساسی را مورد توجه قرار داد: اول لزوم توجه در مفهوم حقوق بشردوستانه با پسوند «اسلامی» بودن آن که به چهارچوب تاریخی و مکانی این مفهوم به ارزشهای اسلامی مرتبط است. دوم، بررسی کارایی آن از نظر کمی و کیفی در تطابق با تحولات زمانی و مکانی و مبانی فقه اسلامی. اسلام در قرن هفتم میلادی ظهور کرد و عنوان کلی رعایت و التزام به «حق الناس» یعنی عدم تجاوز به حقوق مردم را همراه داشت که حقوق بشردوستانه در این عنوان کلی مندرج بوده است، در حالی که اصطلاح حقوق بشردوستانه تا قبل از نیمه قرن نوزدهم شکل نگرفته بود، یعنی فاصله‌ی ۱۳ قرن بین این دو مفهوم وجود دارد. با مقایسه اطلاعات امروزی و گذشته، می‌توان به تحول حقیقی در این زمینه پی برد. اسلام در زمانی ظهور کرد که جنگ، برده‌داری، جهل و استبداد حاکم بود و نگرش فرهنگی نجات بخش بشر وجود نداشت، بلکه منطق زور و استبداد قبیله‌ی حاکم بود.

۲. مفهوم حقوق بشردوستانه

حقوق بشردوستانه (Humanitarian law) که مفهوم غیر از حقوق بشر دارد، دقیقاً بدنبال راهکار کاهش دادن خشونت‌های زمان جنگ است، بنابراین با حقوق بشر متفاوت است،



چون حقوق بشر در زمان عادی، و در حال اختیار است. اما حقوق بشردوستانه در زمان جنگ و حالت اضطرار مطرح است، با این‌که به قتل دشمنان مأموریت داده می‌شود ولی باید یک سری حقوق انسانی رعایت گردد. از قبیل اینکه دشمن را شکنجه نکند، بدنشان را مثله و تکه تکه نکند، از آب منع نکند و... (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲) خلاصه پیام حقوق بشردوستانه آن است که افرادی که در جنگ و درگیری شرکت ندارند یا دست از جنگ کشیده‌اند نباید مورد حمله قرار گیرند و نیز سلاح‌هایی که نظامیان را از غیر نظامیان تفکیک نمی‌کنند یا خسارت و آسیب‌های غیرضروری به بار می‌آورند نباید مورد استفاده قرار گیرند.

معیار حقوق بشردوستانه در اسلام

رویکرد اسلام اصیل در مواجهه با دشمن این است که دشمن را قبل از جنگ به حق و حقیقت دعوت نماید. اسلام می‌گوید در حین جنگ اگر کسی ولو از ترس جان‌ش شهادت به وحدانیت خالق متعال داد و «لا اله الا الله» گفت خونش محفوظ است و نباید کشته شود. اسلام می‌گوید به هیچ عنوان لشکر اسلام حق مثله کردن اجساد دشمنان را ندارد؛ همچنانکه با اسیران جنگی با رفق و مدارا رفتار شود به گونه‌ای که اقرار زیر شکنجه اسیران اعتبار ندارد. استفاده از سلاح غیر متعارف و کشتار جمعی را شرع مقدس اسلام حرام نموده است. اگرچه به این سؤالات تاکنون پاسخ دقیق و روشنی داده نشده است ولی اصولی که در مقدمه ذکر کردیم ملاک و معیار را برای ما روشن می‌کند، چنانچه از لابلای کتب و فرمایشات برخی از نویسندگان این رشته نیز پاسخ اجمالی بدست می‌آید که اصل رعایت عزت نفس و شرافت انسانی به معنای کرامت ذاتی انسان است. این کرامت به حق حفظ عزت نفس فرد اشاره دارد و همگان از آن برخوردارند، مگر اینکه با ارتکاب خیانت یا جنایت به اختیار خود آن را از بین ببرند. بر اساس این اصل، هر گونه رفتاری که ممکن است به کرامت انسانی آسیب بزند، ممنوع است. همچنین، اصل کرامت انسانی به عنوان یکی از اصول مورد پذیرش ملت‌های مختلف شناخته می‌شود (امامی و شوپای، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۱۰).

مقدمه‌ی اعلامیه جهانی حقوق بشر با معیار قرار دادن کرامت انسان از حقوق طبیعی



بشر سخن گفته و در ماده نخست آن حق آزادی انسان‌ها مورد تأکید قرار گرفته است: «همه انسان‌ها با آزادی به دنیا می‌آیند و در زمینه حیثیت و حقوق برابر هستند. هر یک از آنها دارای عقل و وجدان است و باید در روابط خود با یکدیگر روح برادری را رعایت کنند».

برخی از آیات قرآن کریم از قبیل: «و لقد کرّمنا بنی آدم...» گویا بیانگر کرامت ذاتی بشر است، ولی با نگاه به آیات دیگر و با حمل آیات مطلق از جمله آیهی مذکور به آیهی مُقَید: «إنما اکرّمکم عند اللّٰه اتقیکم»، کرامت اکتسابی انسان به دست می‌آید؛ لذا منظور از انسان کریم نزد خداوند، انسان با تقواست. زیرا کرامت ذاتی انسان ایرادهای زیادی دارد از جمله اینکه جنایتکاران نباید مجازات شوند، چون کرامت ذاتی دارند، در حالی که آیات قرآن کریم و دیگر مبانی دینی بر مجازات جنایتکاران مانند قصاص قاتلان تصریح نموده است.

۱- جایگاه حقوق بشردوستانه در قرآن کریم

جهاد و جنگ در اسلام با دشمنان با هدف دعوت آنان به راه حق و بیداری و رستگاری آنها بود و هرگز جنگ برای گسترش حاکمیت زور و بسط جغرافیای بدون هدایت سفارش نشده، هرچند پس از پیامبر^(ص) این اصل رعایت نشد و فتوحات باهدف گسترش حاکمیت و بسط جغرافیای اسلامی که تهی از هدایت بشر بود، پیشرفت داشت و همین رویکرد اشتباه سبب نفوذ حاکمیت دشمنان پیامبر از قبیل تسلط بنی امیه بر جغرافیای اسلامی گشت و مصیبت‌های مانند قتل عام خاندان رسو خدا^(ص) در کربلا، تخریب خانه خدا و مباح نمودن نوامیس مردم مدینه بر لشکریان یزید، نمونه‌هایی هستند که پیامدهای فتوحات تهی از دعوت به اصل توحید الهی، به‌شمار می‌آیند.

براین اساس، حقوق بشردوستانه در اصل دعوت غیر مسلمانان به پذیرش توحید الهی نهفته بود که در صورت بروز جنگ، لشکر اسلام از تعدی و تجاوز به غیر نظامیان منع شده بود، به‌عنوان نمونه در آیهی زیر رویکرد رعایت حقوق بشردوستانه از نهی و ممنوعیت تعدی نامشروع به دشمنان، مشهود است.

«وَ قَاتِلُواْ فِی سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِیْنَ یُفَاتِلُونُکُمْ وَ لَا تَعْتَدُواْ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ الْمُعْتَدِیْنَ »

(بقره: ۱۹۰)

نکات مهم در آیه‌ی مذکور وجود دارند، از جمله، جنگ با دشمنان اسلام که علیه اسلام به جنگ برخاسته اند، در عین حال با نهی از تجاوز بی مورد به دشمنان که مستلزم نگرش رعایت حقوق بشردوستانه در حین جنگ و پس از آن است:

۱- دستور جنگ در راه خدا با کسانی که حالت جنگی با مسلمانان دارد؛ با کفار و مشرکین که خصومت دارند، ایجاد فتنه می‌کنند، مانع هدایت بشر و گسترش اسلام می‌شود، روحیه استبدادگری دارند؛ بجنگید و باید از سر راه بردارید.

۲- مجاز هستید که با اینها قتال کنید و به قتل برسانید اما تعدی و تجاوز نکنید.

گرچه مفسرین نکاتی را پیرامون «وَلَا تَعْتَدُوا» گفتند ولی آنچه به نظر می‌رسد مفهوم گسترده‌ای دارد؛ یعنی یک نهی عام و مطلق استفاده می‌شود، هرچیزی که مصداق اعتدا صدق کند شامل آن می‌شود. مانند اینکه: تعدی نکنید یعنی زنان، کودکان، اهل علم، پیرمردان، عابران، بیگناهان، پیام رسانان کفار و مشرکین را نکشید حتی در میدان جنگ. تعدی نکنید، یعنی کسانی که در صف دشمن می‌جنگید اما یک مرتبه دست از جنگ کشید، نباید بکشید و یا کسانی که تسلیم لشکر اسلام شده حق کشتن آنها را به جرم اینکه چند ساعت قبل مسلمانان را کشته است ندارید. تعدی نکنید به کسانی که کفار و مشرکین است ولی تا هنگامیکه وارد جنگ با مسلمین نشده اند، متعرض آنها نشوید. تعدی نکنید یعنی، با سلاح‌هایی که متعارف نیستند، (سلاح‌های شیمیایی، بمب‌های خوشه‌ای، و انواع سلاح‌های کشتار جمعی) حق کشتن آنان را ندارید، تعدی نکنید، یعنی به اجساد کشتگان‌شان بی‌احترامی و جنایت (سوزاندن، مثله کردند و...) نکنید. به یک معنا این آیه می‌گوید مسلمان مجاز به کشتن کسانی که حالت جنگی با اسلام دارد هستند اما نباید ناجوانمردانه باشد، تا آنجاکه مرتکب اهانت و جنایت به هم نوعان شود که مورد تقبیح عرف و عقلای عالم قرار بگیرد.

به‌طور کلی می‌توان گفت، که هدف جهاد و جنگ در اسلام، سلطه‌گری، قدرت طلبی، خشونت و مخاصمات مسلحانه نیست؛ بلکه هدف دعوت به شناخت توحید الهی و گسترش حاکمیت توحید، فتح ابواب هدایت، حفظ کرامت و عزت انسان، هدایت نمودن



انسان‌ها به سوی کمال مطلق، برچیدن شرک و گمراهی است؛ اما جنایت و ظلم حتی به دشمن، از منظر اسلام مجاز نیست؛ زیرا جنایت دور از رحمت، ضد کرامت و مانع هدایت است.

با این وجود، رفتارهای ضد حقوق بشری گروه‌های مخوف و تبهکار تروریستی که به نام اسلام و دین در جهان اسلام فعالیت دارند، به اسلام ربط ندارد و این گروهک‌ها اجیرشدگان دشمنان اسلام اند که با حمایت مالی و تسلیحاتی دشمنان اسلام از جمله آمریکای جنایتکار در جغرافیای جهان اسلام به انفجار مدارس، دانشگاه‌ها و انفجار مساجد الهی و نابودی زیربنای کشورهای اسلامی دچار بحران، سرگرم اند. رویکرد تروریستی و حشیانه‌ی این گروه‌ها در کشورهای غربی نیز همچون غده‌ی چرکین سرباز نموده و هرازگاهی جنایتی را انجام می‌دهند تا افکار عموم را منحرف ساخته و اسلام و مسلمانان را بدنام نمایند.

۲. جایگاه حقوق بشردوستانه در سنت و سیره معصومان

روایات فروان در مورد رعایت حقوق بشردوستانه هنگام جنگ و بعد از آن وجود دارند، ولی، ذکر همه‌ی آن‌ها در این تحقیق مختصر امکان ندارد، تنها به ذکر نمونه‌ی از این روایات گهربار بسنده می‌شود. روایتی از نبی مکرم اسلام^(ص) نقل شده است که حضرت فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَكُمْ حَتَّى تَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ...» (برقی، ۱۳۷۱، ۱: ۲۸۴). من امر شدم که با شما قتال کنم تا شما به توحید و رسالت شهداد دهید. از این روایات استفاده می‌شود که هدف از جنگ و قتال در مبانی فقهی هدایت مردم بسوی توحید است.

روایت دیگری به صورت مفصل نیز به این مضمون از آن حضرت نقل شده است (ابن حیون، ۱۳۸۵، ۲: ۴۰۲).

حقوق بشردوستانه در روایت زیر نیز در مکتب اهل بیت^(ع) نقل شده که بیانگر التزام اسلام حقیقی به حقوق بشردوستانه در موارد مختلف جنگ با دشمنان است: «تَأْلَفُوا النَّاسَ وَلَا تَغَيِّرُوا عَلَيْهِمْ حَتَّى تَدْعُوهُمْ فَمَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَلَا مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا تَأْتُونِي



بهم مسلمین احب الی من أن تأتونی بنسائهم واولادهم و تقتلوا رجالهم» (هندی، ۱۳۹۹: ۹۳). قبل از آن که به مردم حمله کنید محبت آنان را جلب کنید، و رفتار خوشی با آنان داشته باشید، من ترجیح می‌دهم کسی را نزد من بیاورید که اسلام آورده باشد نه اینکه زنان را پس از کشتن مردانش نزد من بیاورید.

بنابراین، رویکرد اسلام حقیقی که نمونه اش در حدیث مذکور مشاهده می‌شود مبتنی بر اصل هدایت انسان و جوانمردی و توجه به حقوق بشر است که به صورت خاص مورد توجه پیامبر اکرم^(ص) بوده است.

در روایتی دیگر آمده است که پیغمبر اکرم^(ص) فرمود: «خذہ (اللواء) یا بن عوف، اغزوا جمیعا فی سبیل اللہ، فقاتلوا من کفر باللہ، لا تغلّوا، و لا تغدروا، و لا تمثّلوا، و لا تقتلوا ولیدا، فہذا عہد اللہ و سیرۃ نبیہ فیکم» (ابن هشام، بی تا، ۲: ۶۳۲).

براین اساس، روایات اسلامی از جمله روایت مذکور، رویکرد جهاد واقعی را که هدایت انسان به سوی خداوند باشد مشخص می‌کند: «فی سبیل اللہ» یعنی جنگ با دشمنان در مسیر هدایت الهی باشد؛ همچنانکه تعابیر زیر بیانگر توجه به حقوق بشر دوستانه در ضمن جنگ است:

ا. «وَلَا تُغْلُوا» چنانچه در میدان جنگ بردشمن مسلط شدید حق شکنجه و به زنجیر کشدن او را ندارید.

ب. «لَا تُغْدِرُوا» اگر با دشمن عهد کردید خیانت و بی وفایی نکنید.

ج. «وَلَا تُمَثِّلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِیْدًا» اجساد دشمن را مثل نکنید، بچه‌هایی آنها را نکشید.

د. «فہذا عہد اللہ و سیرۃ نبیہ فیکم» یعنی این خط مشی عهد و پیمان خداوند و نبی برای هدایت شماست، تعدی از این خطوط جایز نیست، چون مانع هدایت و جلو گسترش توحید را می‌گیرد. روایت دیگری نیز قریب به این مضمون امام صادق^(ع) آمده است (برقی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۵۵).

بنابراین، رویکرد کلی حقوق بشردوستانه در هنگام جنگ با دشمنان از یک سو و نگرش تربیتی و هدایتگری از سوی دیگر، در سنت و سیره معصومین^(ع) نمایان است. زیرا، کشتن کهن سالان، کودکان و زنان که جرمی را مرتکب نشده اند، فطرت همه انسان‌ها را



جریحه‌دار می‌کنند و اسلام را بی‌منطق جلوه می‌دهد، لذا کسی به اسلام رغبت نخواهند داشت، نه تنها به هدفش نزدیک نشده است که از هدفش دور می‌شود، از طرف عرف وقتی می‌بیند انسان بیگناه کشته شده است رزمندگان اسلام را مورد مذمت و نکوهش قرار خواهند داد، بدین جهت است که نبی مکرم اسلام دستور داده که در جنگ آن کسی که توان جنگیدن ندارد و یا در حال مبارزه نیست حق کشتنش را ندارید و در روایاتی متعدد در میدان جنگ از کشتن زنان و کودکان نهی کرده است (کلینی؛ ۱۴۰۷، ۵: ۲۹).

علی‌رغم خطوط کلی که در جهاد اسلامی باهدف دعوت و هدایت غیر مسلمانان به سوی خدواند واحد تعریف شده بود، بعد از پیامبر^(ص) جنگ‌های به نام اسلام ولی در واقع ضد نگرش اسلام صورت گرفت که تنها هدف سلطه برکشورها و غارت اموال دیگران بود. حتی به جنایتکارانی مانند «خالد» و غیره لقب سیف الاسلام اعطا شد تا به جنایاتش علیه بشریت، البته به نفع حاکمیت وقت شدت بخشد. لذا هدف اصلی اسلامی که پیامبر^(ع) آورده بود تحریف شد و به‌همین دلیل، امت اسلامی دچار رکود، تفرقه و عقب‌ماندگی شدند.

یکی از نکات مهمی که در این زمینه می‌توان بیان کرد: روایات دعوت است به عنوان نمونه به یک روایت اکتفاء می‌کنیم، امام صادق^(ع) از پیامبر اکرم^(ص) نقل می‌کند که حضرت به رزمندگان اسلام دستور داده است: «إِذَا لَقِيتُمْ عَدُوًّا لِلْمُسْلِمِينَ فَادْعُوهُمْ إِلَى إِحْدَى ثَلَاثٍ...» (همان). در اینجا حضرت مراحل سه‌گانه‌ی را بیان کرده است که هرکدام در مسیر هدایت دشمن اهمیت ویژه‌ای دارد و مستلزم توجه به حقوق بشردوستانه است.

ممنوعیت کشتن بدون دلیل دشمنان اسلام در جنگ‌ها؛ در روایت پیغمبر اکرم^(ص) این گونه تصریح شده است: «لَا تَقْتُلُوا فِي الْحَرْبِ إِلَّا مَنْ جَرَتْ» (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۷۹)؛ در جنگ‌ها حق کشتن احدی را ندارید مگر آن کسی که در مبارزه با شما در حال نبرد است (و بالغ شده است).

امیر المؤمنین^(ع) به فرستاده‌ی خود به سوی شام فرمود: «وَلَا تُقَاتِلَنَّ إِلَّا مَنْ قَاتَلَكَ» (نهج‌البلاغه؛ ۳۷۲)؛ با کسی جنگ و کشتار نکن مگر کسی که با تو بی‌جنگد. بنابراین قتل و کشتار بدون دلیل از نگاه حقوق بشردوستانه در اسلام ممنوع است.



امیرالمؤمنین^(ص) در صفین به سپاهیان‌ش تذکر دادند که به دشمن دشنام ندهند، زیرا هدف ایشان از جنگ هدایت و راهنمایی مردم و ارتقای کلمه اسلامی بوده است. دشنام دادن باعث افزایش دشمنی و کینه می‌شود و به نادانی، دشمنان نیز ایشان و لشکرشان را دشنام خواهند داد. بدین ترتیب، دشنام به خاطر مانع شدن از هدایت نه تنها ناپسند است، بلکه دارای عواقب سنگینی در دین می‌باشد (نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ۴: ۶۵۹).

جنگ طائف که از نظر مخاصمات مسلحانه سخت‌ترین و شدیدترین جنگ بود امیر المؤمنین می‌فرماید: در آن روز پیغمبر اعلان کرد، هر بنده‌ای که قبل از مولایش به سوی ما بیاید او آزاد است در راه خدا و هر بنده‌ای که بعد از مولایش بیاید به بندگی باقی خواهد ماند (ابن‌اشعث؛ بی‌تا، ۸۰).

یکی از حقوق بشردوستانه‌ی که در اسلام به آن توجه جدی شده، ممنوع بودن بی‌احترامی به نوامیس دشمنان و دوری از غارت اموال شان است؛ لذا امیرالمؤمنین^(ص) در جنگ صفین (که علیه معاویه فرزند ابوسفیان و هند جگر خوار صورت گرفت) به اصحابش فرمود: «وَلَا تَكْشِفُوا عَوْرَةً... فَإِذَا وَصَلْتُمْ إِلَى رِحَالِ الْقَوْمِ فَلَا تَهْتِكُوا السُّتْرَ وَلَا تَدْخُلُوا دَارًا إِلَّا بِإِذْنِي وَلَا تَأْخُذُوا شَيْئًا مِنْ أَمْوَالِهِمْ إِلَّا مَا وَجَدْتُمْ فِي عَسْكَرِهِمْ» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۸۶)؛ وقتی به دشمن و بارندازش رسیدید یعنی به پرده سرای آنها دست یافتید پرده‌ای را مدیریت و هتک حرمت نکنید، عورتی را آشکار مسازید، بدون اجازه وارد خانه‌ای نشوید، وقتی به اموال آنها دست یافتید، دست نگه‌دارید، غارت نکنید، جز آنچه را که در اردوگاهشان یافته‌اید. براساس مبانی فقهی حقوق بشردوستانه، اصل هدایت مردم به سوی اسلام اصولی اساسی است و هر اقدامی که به نجات بشر از گمراهی کمک کند، مورد تأیید اسلام است؛ بنابراین، استفاده از سلاح‌های مدرن که کرامت انسان را خدشه‌دار کند یا مانع هدایت افراد شود، براساس اصول اخلاقی اسلامی ممنوع و مورد تقبیح عقلا است.

۲-۱. دعوت اصل مهم حقوق بشردوستانه قبل از جنگ

در فقه اسلامی، دعوت دشمن به اسلام قبل از جنگ واجب است و فقها بر این اجماع دارند که سپاه اسلام حق ندارد قبل از ابلاغ دعوت به کفار به آنها حمله کند. اگر مسلمانی بدون دعوت به دشمن حمله کند و او را بکشد، نه تنها گناهکار است؛ بلکه مسئولیت مالی



نیز بر عهده‌اش خواهد بود. (طوسی، ۱۳۸۷، ۲: ۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱: ۵۲؛ ابن ادرس، ۱۴۱۰، ۲: ۸؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۲۴۸؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۱: ۳۰۵).

این اصل را پیغمبر اکرم^(ص) عملاً در جنگها انجام داده است و در جنگها به فرماندهانش دستور می‌داد که بدون دعوت به اسلام به دشمن حمله نکنند و وقتی متوجه شد تعدادی اسیر بدون دعوت به اسلام آورده شده‌اند، دستور آزادسازی آنها را صادر کرد. (کانه‌هلوی، ۱۴۲۵، ۱: ۹۹).

امیرالمؤمنین فرمود: وقتی پیغمبر^(ص) مرا به سمت یمن فرستاد فرمود: یا علی با احدی قتال نکن مگر اینکه او را دعوت کرده باشی، قسم بخدا اگر یک نفر به دست تو هدایت شود بهتر است برای تو از آنچه که شمس بر آن می‌تابد و غروب می‌کند، علاوه بر این دوستی و نصرت و آزادی آن شخص بر توست (ر، ک: همان: ۲۸).

امام باقر^(ع) در نامه‌ی به فرمانده بنی امیه تأکید کردند که حفظ حدود الهی را شرط کار قرار دهد و نخستین وظیفه‌اش دعوت دشمنان به پرستش خدا و فرمان برداری از او باشد. اگر آنها از این دعوت سر باز زدند، باید جزیه پردازند و در صورت امتناع، اعدام خواهند شد (ر، ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۱۲).

نکته اساسی از اصل دعوت قبل از جنگ این است که اگر در درگیری‌های مسلحانه امروز نیز طرفین به گفتگو دعوت شوند، احتمالاً از بروز جنگ جلوگیری خواهد شد و این امر می‌تواند از خسارات و تبعات جنگ به خوبی جلوگیری کند.

باید پذیرفت که در عصر روابط بین‌الملل، دعوت به گفتگو و مذاکره از اهمیت بالایی برخوردار است و استفاده خوب از این فن می‌تواند به پیروزی در عرصه سیاست منجر شود. امروزه، سیاست جنگ و وحشت جای خود را به گفتگو داده است و حاکمان اسلامی با قرار دادن اصل دعوت به گفتگو در اولویت، می‌توانند نقش کلیدی ایفا کنند.

۲-۲. نهی از حمله شبانه به دشمن

یکی از حقوق بشردوستانه در جنگ که در منابع فقهی آمده است ممنوع بودن حمله در شب است؛ یعنی پیغمبر^(ص) نهی می‌کرد که مبدا قبل از جنگ بر دشمن در شب حمله صورت گیرد. در روایتی از امام صادق^(ع) دارد که پیغمبر اکرم^(ص) هرگز در شب با دشمن



نجنگید (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۸).

روایتی را انس بن مالک نقل می‌کند که پیغمبر اکرم^(ص) وقتی شب هنگام به جای می‌رسید همانجا بیتوته می‌کرد و تا صبح نمی‌شد حرکتی انجام نمی‌داد (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۲۱: ۱۳۷).

امام صادق^(ع) می‌فرماید: امیرالمؤمنین^(ع) تا زمانکه آفتاب بالا نمی‌آمد هرگز نمی‌جنگید (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۸).

اگرچه از این روایات حرمت جنگ در شب استفاده نمی‌شود، اما آیا واقعاً اسلام با جنگ شبانه موافق نیست؟ یا اینکه نکته دیگری وجود دارد که اسلام در آن زمان جنگ شبانه را ممنوع می‌دانسته است؟

عمده دلیل که پیامبر اکرم از حمله شبانه نهی می‌کردند؛ زیرا اولاً، به دلیل نبود تکنولوژی پیشرفته، احتمال گمراهی و شکست ضربه خوردن سپاه اسلام وجود داشت. ثانیاً، در شب تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان دشوار بود و ممکن بود افراد بی‌گناه یا مسلمانان کشته شوند، که با اخلاق و منطق اسلام سازگاری نداشت.

اما در جنگهای عصر تکنولوژی اغلب عملیات‌ها در شب انجام می‌شود و اهداف نظامی در شب مورد هدف قرار داده می‌شود، زیرا رصد فعالیت‌ها در روز دشوارتر است و حملات شبانه با استفاده از اطلاعات دقیق و تاکتیک‌های پیشرفته، تلفات کم‌تری دارد. همچنین، دشمن معمولاً در شب حمله می‌کند، بنابراین رزمندگان باید برای دفاع و حمله در شب آماده باشند. با این حال، بازهم اگر حملات شبانه باعث خسارات غیرمتعارف به غیرنظامیان یا سپاه اسلام شود، این اقدام ممنوع است.

۳. حقوق بشردوستانه حین جنگ

آنچه از منابع فقهی استفاده می‌شود این است که پیامبر اکرم^(ص) در میدان مبارزه با دشمن حقوق بشردوستانه‌ی را وضع کرده است که بازدارندگی خاصی در هنگام جنگ دارد و بر طبق آن بسیاری از مخاصمات و هتک حرمت‌ها حفظ می‌شود حتی در عصر تکنولوژی امروزی نقش اساسی را افاء می‌کند بدین جهت در ذیل؛ برای تبیین مطلب به برخی از آن اشاره می‌شود.



۳-۱. ممنوع بودن تعدی ناعادلانه

یکی از حقوق بشردوستانه‌ی که در جنگ از نگاه فقه ممنوع و مورد نهی قرار گرفته است هر نوع اعتدا و تجاوز به دشمن است؛ مگر آنجای که نص داشته باشیم.

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰)؛ نظر می‌رسد نهی در «لا تعتدوا» اطلاق دارد هر نوع تعدی که غیر متعارف باشد را شامل می‌شود مگر جایی که استثنا شده باشد، یعنی از حد عدالت تعدی نکنید یعنی اعتدال و میانه روی را حتی در حالت جنگ رعایت نموده، جوان مردی و حقوق بشردوستانه را در جنگ مراعات کنید. بنابراین منع تخریب ساختمان‌ها، نابودی درختان، مسموم کردن آن‌ها و قطع دسترسی به آب برای کفار و مشرکان نیز بخشی از دستورات اخلاقی و شرعی است. همچنین، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به عنوان مصداقی از تجاوز و تعدی، مورد نهی و تحریم قرار گرفته است (لنکرانی، بی‌تا: ۲۶).

۳-۲. رفتار عادلانه و عدم سلب حق تسلیم

در این مورد قواعد انسان دوستانه فقهی متعددی در قالب آیات و روایات گنج‌انیده شده است، قرآن کریم حکم می‌کند که با دشمنان به عدالت رفتار کنند: «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۷)؛ تازمان که آنها باشما عادلانه رفتار می‌کند شما نیز با آنها عادلانه رفتار کنید. براساس این آیه رفتار عادلانه با دشمن واجب است. چنانچه بگاریگری از هرنوع سلاح‌های مدرن و پیشرفته مصداق غیر عادلانه باشد استفاده‌اش مجاز نیست.

در سوره انفال می‌فرماید: «فَإِنْ اعْتَرَفُوا بِكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» (نساء: ۹۰) پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند؛ (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که متعرض آنان شوید.

اگر چنانچه از جانب دشمن پیشنهاد صلح شود سربازان اسلام حق ندارد با آنان جنگ را ادامه دهد و یا آنان را به قتل برساند، قرآن کریم در این زمینه دستور صریح داده که اگر صلح از طرف دشمن مطرح شد شما باید آن را بی‌پذیرید و در این زمینه بر خداوند توکل کنید (انفال: ۶۱).



اگر دشمن تسلیم شود، شمشیر را زمین بگذارد یا شهادتین بگوید، جان و مالش محترم است، حتی اگر پیش از آن علیه اسلام جنگیده باشد. امیرالمؤمنین از پیامبر نقل می‌کند که خداوند اسلام را زینت بخشید و «لا اله الا الله» را برای حفظ خونها قرار داد. هر کس قبله ما را بپذیرد، شهادتین بگوید و از ذبیحه ما بخورد، مسلمان است و از تمام حقوق و تکالیف اسلامی برخوردار میشود (ابن‌اشعث، بی‌تا: ۷۷).

پیامبر^(ص) گروهی را به جنگ طائفه خثعم فرستاد وقت آنها اصحاب رسول خدا را دیدند که نزدیک شده است به سجده پناه برد. اما در همین حال عده‌ای از آنها کشته شدند، بدین جهت پیامبر دستور داد به خاطر آن که در حال نماز بودند نصف دیه آنها را بپردازند (همان: ۷۹).

پس از جنگ خیبر، مرداس بن نهیک فدکی (یهودی) با خانوادهاش در کوه پناه گرفت و شهادتین گفت. اسامه بن زید او را کشت و نزد پیامبر بازگشت. پیامبر فرمود: «مردی را کشتی که به یگانگی خدا و پیامبری من اقرار داشت.» اسامه گفت: «از بیم جان می‌گفت.» پیامبر پاسخ داد: آیا پرده دلش را کنار زدی تا ببینی چه در دل داشت؟ تو نه آنچه را که بر زبان آورد پذیرفتی و نه آنچه را که در قلبش بود دانستی. (قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۱۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱: ۱۱؛ میانجی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

در منابع فقهی آمده است که سپاه اسلام در جنگ حق ندارد مانع تسلیم شدن دشمن شود و اگر دشمن تسلیم شد، کشتن آنان جایز نیست. تاکنون مواردی دیده نشده که مسلمانان پس از تسلیم دشمن، آنان را کشته باشند. رفتار پیامبر اکرم پس از فتح مکه، که طی آن مشرکان تسلیم‌شده را آزاد کرد و به «الطلاق» معروف شدند، نمونه‌ی روشن از این رویکرد است (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۹۸).

در میان آنها کسانی بودند که پیامبر اکرم^(ص) و برخی اصحابش را بسیار آزار داده بودند. بسیاری از سپاهیان اسلام می‌خواستند مانع تسلیم آنها شده و انتقام بگیرند؛ اما پیامبر^(ص) جلوگیری کرد و اعلام نمود که امروز روز رحمت است. بنابراین، وقتی کسی اسلام بیاورد یا اظهار اسلام کند، هدف قتال محقق شده است؛ یعنی مرز قتال اینجا است، جنگیدن با آنها دیگر جایز نیست.



۳-۳. ممنوع بودن زجر کشی دشمن

زجر کشی و آزار دشمنان با اهداف اسلام و اصول اخلاقی مانند کرامت و هدایت سازگاری ندارد و از آن منع شده است. مرتکبین چنین اعمالی با عواقب شدید اخروی مواجه خواهند شد. از پیامبر اسلام نقل شده که خداوند کسانی را که مردم را زجر کش می‌کنند، خود شکنجه خواهد کرد (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۳: ۴۰۴)؛ این سخن پیامبر اطلاق دارد شکنجه کردن افراد دشمن را در جنگ نیز شامل می‌شود.

پیامبر اسلام به صراحت از شکنجه کردن افراد، حتی در شرایط جنگی، نهی کرده و همواره فرماندهان و سربازان را از این عمل منع می‌نمود. اسلام حتی در جنگ، که شرایطی ویژه است، اجازه‌ی شکنجه یا قتل بی‌رویه را نمی‌دهد و به‌طور کلی از قتل صبر شدیداً نهی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹)؛ این رویکرد، نشان‌دهنده‌ی توجه اسلام به حقوق بشردوستانه، حتی برای افراد نظامی دشمن در میدان جنگ است (شهیدثانی، ۱۴۱۰، ۳: ۳۹۳).

۴-۳. ممنوع بودن کشتار دسته جمعی دشمن

در فقه اسلامی، انهدام دسته جمعی دشمن در جنگ منع شده است، چنانکه پیامبر اسلام از مسموم کردن آب در سرزمین مشرکان نهی فرمود (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۸). در تاریخ اسلام، یهودیان بنی قریظه با مسلمانان پیمان بستند که خیانت نکنند، اما در جنگ خندق پیمان شکنی کردند. با این حال، پیامبر اسلام به جای قتل دسته جمعی، قضاوت و مجازات را به خودشان واگذار کرد. بنی قریظه بر اساس قوانین خود، جنگجویان را مجازات کردند و بقیه را زنده نگه داشتند (ر، ک: امامی، ۱۳۹۵: ۲۰۸).

این عبارت بیان می‌کند که اگر پیامبر اسلام دشمنان را به صورت جمعی محکوم به اعدام می‌کرد، این عمل با اصول هدایت، عدالت و حقوق بشردوستانه در تضاد بود و چهره رحمانی اسلام را خشن و انتقام‌جو نشان می‌داد. همچنین، غرق کردن دشمنان در آب یا فرستادن سیل به مناطق آنها در فقه اسلامی ممنوع است؛ زیرا این اقدامات باعث کشته شدن غیرنظامیان مانند زنان و کودکان و ایجاد خسارات گسترده می‌شود. پیامبر اسلام در روایات متعدد از چنین اقداماتی نهی کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹).

بنابراین امروزه نیز استفاده از سلاح غیر متعارف که غالباً آثار مخرب و ناگوار دارد و سبب کشتار دسته جمعی می‌شود؛ جایز نیست.



۳-۵. ممنوع بودن مثله، نُهبه و احراق

قبل از اسلام بعضا اتفاق می افتاد که اجساد در میدان جنگ مُثله می شد و یا وقت اجساد را به صاحبانش می داد در مقابلش پول می گرفتند از جمله در جنگ احد مشرکین دست به عمل مثله زدند اما در فرمایشات متعدد از نبی مکرم اسلام (ص) از مثله کردن افراد دشمن نهی شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹)؛ چون با اصل هدایت و کرامت انسان سازگاری ندارد لذا منع شده است.

امیرالمؤمنین (ع) به فرزندان وصیت کرد که پس از شهادتش، قاتلش را تنها یک ضربت بزنند و از مثله کردن او پرهیزند، حتی اگر با سگ درنده باشد، چرا که از رسول خدا (ص) شنیده بود که از مثله کردن نهی کرده است (رضی، ۱۴۱۴: ۴۲۲).

در روایتی از امام علی (ع) نقل شده که ایشان از مثله کردن و غارت کردن افراد نهی فرموده اند (ابن حنبل، ۱۴۱۶، ۳۱: ۳۹) غارت به ابزار جنگی اطلاق نمی شود؛ بلکه به اموال شخصی مانند لباس اشاره دارد که با اصول هدایت، جوانمردی و کرامت انسانی سازگار نیست. بنابراین، غارت و مثله کردن در میان فقهاء حرام و اجماعی است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱: ۲۸۳) امام علی (ع) در جنگ صفین به اصحابش دستور دادند که به حریم خصوصی دشمنان تجاوز نکنند، پرده ها را ندرند، عورات را آشکار نسازند، بدون اجازه وارد خانه ها نشوند و اموال دشمن را غارت نکنند، مگر آنچه در اردوگاهشان یافت شود. (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۸۶).

خلاصه: اسلام سوزاندن افراد، حتی دشمنان را ممنوع کرده است، زیرا این عمل با اصول اخلاقی و فطرت انسانی سازگار نیست و باعث ایجاد تصویری خشن از اسلام می شود که مانع هدایت افراد می گردد.

ابن ادریس در کتاب «سرائر» اشاره می کند که جنگ با کفار با هر وسیله ای جایز است، به جز سه مورد زیر که در اسلام ممنوع است.

۱. تخریب خانه ها بر ساکنین، که در آن زمان به منزله قتل دسته جمعی محسوب می شد.

۲. سوزاندن با آتش.

۳. استفاده از سم، که پیامبر اسلام (ص) از آن نهی کرده اند.



مرحوم ابن ادریس، در این زمینه به نظرات شیخ طوسی و روایات اسلامی استناد کرده است؛ به هر حال، اسلام با تأکید بر اصول اخلاقی و توجه به مسئله‌ی حقوق بشر، اعمالی مانند سوزاندن، تخریب خانه‌ها و استفاده از «سم» را در جنگ ممنوع کرده است تا از خشونت بدون ضرورت جلوگیری کند و تصویر رحمانی خود را حفظ نماید (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲: ۷).

روایات نیز در این قسمت نقل شده است، که فقهای اسلامی به آنها استناد کرده است (ابن طاووس، ۱۴۰۰، ۱: ۲۴۶؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ۱۴: ۱۹۴؛ ابی داوود، ۱۴۲۰، ۳: ۱۱۵۹) حتی پیغمبر اکرم^(ص) از سوزاندن حیوانات نهی کرده است پس به طریق اولی سوزاندن انسان جایز نیست. (صدوق، ۱۴۱۳، ۴: ۵)؛ چون سوزاندن در آتش مخصوص خداوند است بشر حق ندارد از این نوع عذاب استفاده کند، مگر آنجای که خدای متعال اجازه داده باشد.

۳-۶. ممنوع بودن کشتن غیر نظامیان

در منابع فقهی از کشتن غیر نظامیان منع شده است. پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: متجاوزترین فرد در قیامت کسی است که غیر کشته‌ای را بکشد یا به غیر ضارب ظلم کند و در آن روز توبه و فدیة‌اش پذیرفته نمی‌شود (ر، ک: کلینی، ۱۴۰۷، ۷: ۲۷۴) همچنین امیرالمؤمنین^(ع) تأکید کردند که در جنگ نباید به غیر نظامیان یا کسانی که قصد کشتن ندارند، ظلم کرد یا آن‌ها را کشت. (بلاذری، ۱۴۱۷، ۴۷۷).

حقوق بشردوستانه اسلامی کشتن زنان، کودکان، پیرمردان، بردگان، غیر نظامیان، عابران، سفرا و نمایندگان سیاسی کفار و مشرکان را منع کرده و در بسیاری موارد جرم دانسته است، حتی اگر به دشمن کمک کنند، مگر در صورت ضرورت (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۲: ۳۹۳). حتی در روایات آمده که اگر زنان بجنگند یا توهین کنند، تا حد امکان از کشتن آنها خودداری شود، چرا که پیامبر^(ص) از این عمل نهی کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹؛ نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۸۶؛ ابی داوود، ۱۴۲۰، ۳: ۱۱۵۶)، کشتن زنان حتی در صورت مشارکت در جنگ و کمک به دشمن جایز نیست، مگر در شرایط اضطرار و نبود راه دیگر (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲: ۶).



۷-۳. ممنوع بودن تخریب منازل و محیط زیست

براساس منابع فقهی حقوق بشردوستانه مواردی مانند تخریب خانه‌های کفار و دشمنان اسلام، تخریب اماکن مذهبی و معابد، و همچنین حفاظت از محیط زیست، به طور کلی جایز نیست، مگر در شرایط خاصی که غلبه بر دشمن تنها از طریق تخریب خانه‌ها ممکن باشد. حتی در این صورت نیز اگر امکان عدم تخریب وجود داشته باشد، بهتر است از آن خودداری شود. این اماکن از مصونیت برخوردارند و تخریب آنها جایز نیست، مگر در مواردی که دشمن در آنجا پناه گرفته و غلبه بر آنها بدون تخریب ممکن نباشد. در این حالت نیز تنها به اندازه رفع ضرورت مجاز است. در حقوق بشردوستانه فقهی، تخریب محیط زیست از جمله کشتن حیوانات، قطع درختان و سوزاندن زراعت‌ها ممنوع است (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۲: ۷)؛ روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) بر حفاظت از محیط زیست تأکید دارند.

در روایات متعدد از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «وَلَا تَعْقِرُوا مِنَ الْبَهَائِمِ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ... وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً مُثْمِرَةً وَلَا تُحْرِقُوا زَرْعًا لِأَنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّكُمْ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ»، «وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرَةً إِلَّا أَنْ تُضْطَرُّوا إِلَيْهَا» و «وَلَا تُحْرِقُوا النَّخْلَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹-۳۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ۶: ۱۳۸).

بنابراین، از این روایات ضابطه کلی رعایت حقوق بشردوستانه در هنگام جنگ به دست می‌آید؛ برای اساس، آسیب رساندن به محیط زیست در دارالحرب نیز جایز نبوده و باعث نقض حقوق محیط زیست و نابودی حقوق بشر می‌شود، مگر در صورت اضطرار که تخریب محیط زیست به اندازه رفع ضرورت مجاز شمرده شده است.

۸-۳. غدر و انتقام

اگر چنانچه با دشمن در مسئله به توافق رسیدند مانند اینکه به دشمن امان بدهد بعد از امان او را به قتل برساند، یا دشمن را در غیرحالت جنگی زمینگیر نماید و به قتل برساند چنین جنایتی علاوه براین که مورد تقبیح عرف عقلانی قرار می‌گیرد، در حقوق بشردوستانه‌ی فقهی ممنوع جایز نیست. در این امر میان علماء خلاف وجود ندارد همگی متفق علیه است. در آیات و روایات هم به صورت متعدد از آن نهی شده است؛ «قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ



وَلَا تَغْدِرُوا» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵: ۲۹)؛ با کسی که به خداوند کفر می‌ورزد قتال کنید، ولی خیانت نکنید.

امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید: اگر این نبود که غدر در اسلام ممنوع است من علی از زیرکترین مردم بودم، متوجه باشید که برای غدر و نقض عهد یک گناه و معصیت است و گناه مساوی با کفر است. بدانید و آگاه باشید سزای غادر، فاجر و خیانت، آتش است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۳۸).

علاوه برآن با اصل هدایت نمی‌سازد، چون نقض عهد فی نفسه قبیح است و مردم را از اسلام متنفر می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱: ۷۸) پایه‌های هدایت و نظام اسلامی را متزلزل و سُست می‌کند.

در حقوق بشردوستانه، انتقام از دشمن در برخی موارد مانند عملیات غافلگیرانه جایز شمرده شده تا از گستاخی او جلوگیری شود؛ اما در مواردی مانند کشتن زنان و کودکان یا محروم کردن دشمن از آب و غذا، انتقام ممنوع است؛ زیرا با اصول اخلاقی اسلام سازگاری ندارد. امیرالمؤمنین^(ع) حتی به قاتل خود آب و غذا می‌داد و در جنگ صفین، با وجود محرومیت از آب، آب را بر دشمن باز گذاشت و از انتقام‌جویی خودداری کرد. این رفتار نشان‌دهنده تأکید فقه اسلامی بر رعایت اخلاق و توجه به مسئله‌ی حقوق بشر حتی در شرایط جنگی است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ۳: ۲۸۵؛ نصر، ۱۴۰۴: ۱۶۲). بنابراین اگر دشمن؛ بی‌رحمی نمود، در صحنه جنگ زن و بچه را کشت سپاه اسلام حق ندارد زن و بچه آنها را بکشد، چون اینگونه عملیات انتقام جویانه موجب نقض حقوق طبیعی-فطری بشر می‌شود که در اسلام نقض ممنوع است.

۴. حقوق بشردوستانه بعد از جنگ

با مرجعه به فقه می‌بینیم اسلام بعد از جنگ نیز قوانین بشردوستانه‌ی را وضع کرده است که تخطی کردن از آن ممنوع است موارد مانند:

۴-۱. ممنوع بودن کشتن فراریان دشمن

چنانچه دشمن در جنگ شکست خورد و پا به فرار بگذارد از نگاه حقوق بشردوستانه‌ی



فقهی؛ دنبال کردن و کشتن آنها جایز نیست، امیرالمؤمنین^(ص) به لشکریانش سفارش فرمود: «فَإِذَا قَاتَلْتُمُوهُمْ فَهَزَمْتُمُوهُمْ فَلَا تَقْتُلُوا مُدْبِرًا» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۱: ۸۶)؛ کسانی که از جنگ گریختند از پشت به آنها حمله نکنید و آن که پشت کرده نکشید. در برخی از روایات آمده: سپاه عادل نمی‌تواند کسانی که از جنگ گریخته‌اند تعقیب کند و به قتل برساند (طوسی، ۱۴۰۸، ۶: ۱۴۴).

۲-۴. ممنوع بودن کشتن زخمی‌ها

در اسلام، حقوق بشردوستانه شامل مراقبت از زخمی‌های دشمن و ممنوعیت کشتن آن‌ها نیز می‌شود. امیرالمؤمنین^(ع) فرمود: کسی را که زخم برداشته است و توان کار زار ندارد مبدا او را به قتل برسانید (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۸: ۳۷۰). فقها تأکید دارند که زخمی‌ها و افراد بی‌دفاع نباید کشته شوند و سوزاندن دشمن پس از غلبه ممنوع است (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳، ۲: ۲۱۴).

۳-۴. ممنوع بودن کشتن اسیران

قبل از اسلام، اسیران کشته یا به بردگی گرفته می‌شدند، اما اسلام راه‌هایی مانند آزادی بدون شرط یا با دریافت پول را پیشنهاد کرد و برده‌داری را محدود ساخت تا زمینه آزادی برده‌ها و اسیران فراهم شود.

و اگر پس از پایان جنگ، اسیر شوند، کشته نمی‌شوند. امام (حاکم شرع) مخیر است بین بخشش (مَن) و گرفتن فدیة و یا استرقاق و این نظر مشهور است، هم از نظر نقل و هم از نظر استدلال. حتی در کتاب‌هایی مانند «التذکرة» و «المنتهی» این نظر به تمام علمای ما نسبت داده شده است و این نظر حجت است، به خصوص روایات (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۷۱) که ظاهر آیه‌ای بخشش و فدیة تأیید می‌کند. در برخی موارد با توجه به سابقه جنایت اسیر جنگی، حاکم اسلامی می‌توان آن را مجازات کند (ر، ک: نجفی، ۱۴۰۴، ۲۱: ۱۲۶-۱۳۰).

جمله «کل ما یرجی به الفتح» یا «مما یتوقف علیه الفتح» و «ما یتوقف علیه حفظ بیضة الاسلام» و «مما یتوقف علیه حفظ کیان الإسلام» و «لزوم ما یتوقف علیه حفظ النظام» (علامه‌ی حلی، ۱۴۱۳، ۱: ۴۸۵).



این جملات هر چند با تغییر اندک در کلمات اکثر فقها آمده است و به نظر می‌رسد یک مفهوم واحد داشته باشد، اما آن مفهوم واحد چیست؟ آیا یک قاعده مستند به آیات و روایات است؟ یا خیر؟ چنانچه ظاهرش اطلاق دارد و هر وسیله و ابزاری که فتح کردن و غالب شدن بر دشمن از آن طریق ممکن باشد، شامل است و جایز است که استفاده کند؟ یا این جمله مفهوم دقیق‌تری دارد، بخصوص در عصر امروزی آیا مسلمانان از هر نوع سلاحی علیه دشمن می‌توانند استفاده کنند؟

مقصود از قاعده «هر عملی که به پیروزی در جهاد منجر شود»، احتمالاً موارد اضطراری است که توسط دشمن تحمیل می‌شود، به شرطی که آن عمل با قوانین الهی و ارزش‌های اسلامی مغایرت نداشته باشد. پیروزی به هر قیمتی نمی‌تواند توجیه‌گر اقداماتی باشد که با اصول فقهی و اخلاقی اسلام در تعارض هستند. فقیهان در استنباط احکام شرعی، همواره محدودیت‌ها و شرایط خاص را در نظر می‌گیرند و نمی‌توان هر عملی را که به پیروزی بینجامد، بدون قید و شرط مجاز دانست. به عنوان مثال، اقداماتی که حقوق غیرنظامیان را نقض کنند، به محیط زیست آسیب بزنند یا اصول اخلاقی را زیر پا بگذارند، حتی اگر به پیروزی در جهاد منجر شوند، از نظر شرعی غیرمجاز هستند (ر، ک: نویسندگان، ۱۳۹۷ش، ص ۸۹-۹۰ و ۱۹۵-۱۹۷).

بنابراین، برخی از اقدامات مانند قطع درختان یا تخریب ساختمان‌ها در حالت عادی جایز نیستند، اما اگر دشمن از این مکان‌ها به عنوان موضع استفاده کند و راه دیگری برای مقابله وجود نداشته باشد، این اقدامات مجاز می‌شوند. همچنین، کشتن غیرنظامیان مانند زنان و کودکان ممنوع است، مگر اینکه دشمن از آنها به عنوان سپر انسانی استفاده کند و این اقدام برای جلوگیری از شکست سپاه اسلام ضروری باشد. پیروزی در جنگ نباید به قیمت اقدامات غیراخلاقی و ناجوانمردانه به دست آید، همان‌طور که امیرالمؤمنین علی^(ع) در جنگ صفین از بستن آب بر روی دشمن خودداری کرد. در نهایت، استفاده از سلاح‌های مدرن مانند پهبادها و موشک‌ها تنها در صورتی جایز است که به صورت دقیق و کنترل‌شده علیه اهداف نظامی استفاده شوند و آسیب رساندن به غیرنظامیان و مناطق مسکونی جایز نیست. براین اساس، قاعده‌ی مذکور به اقدامات اضطراری در زمان جهاد اشاره دارد، اما تنها



در صورتی مجاز است که با قوانین الهی و ارزش‌های اسلامی سازگار باشد. پیروزی به هر قیمتی قابل توجیه نیست و اقداماتی که حقوق غیرنظامیان، محیط زیست یا اصول اخلاقی را نقض کنند، حتی اگر به پیروزی بینجامند، از نظر شرع مقدس اسلامی جایز نیست.

نتایج کلی

۱. حقوق بشردوستانه از منظر فقه اسلامی، به عنوان بخشی از تعالیم دینی، بر پایه‌ی اصول اخلاقی و انسانی و معیار قرار دادن اصل هدایت انسان‌ها استوار است که هدف آن هدایت‌گری، حفظ کرامت انسانی، کاهش آلام بشری و حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ و بحران‌هاست.
۲. فقه اسلامی با تأکید بر مفاهیمی چون هدایت، عدالت، رحمت و احترام به جان و مال انسان‌ها، قواعدی را برای رفتار در جنگ‌ها و شرایط اضطراری تعیین می‌کند که فرازمانی و فرامکانی است و در هر شرایط قابل تطبیق است.
۳. حقوق بشردوستانه از منظر فقه اسلامی تفاوت‌هایی با کنوانسیون‌های حقوق بشری دارد که ناشی از اهداف و مبانی الهیاتی و فقهی اسلام است؛ زیرا فقه اسلامی علاوه بر توجه به جنبه‌های مادی و انسانی، به جنبه‌های معنوی و اخروی که کمال انسان را در پی دارد نیز توجه دارد و این امر گاهی منجر به تفاسیر متفاوتی در مقایسه با قوانین بین‌المللی می‌شود.
۴. که فقه اسلامی با تکیه بر منابع قرآنی، سنت نبوی و اجتهاد فقها، ظرفیت بالایی برای استنباط و تبیین حقوق بشردوستانه دارد، به شرط آنکه این تعامل با حفظ اصول اساسی فقهی و در چارچوب مصالح عمومی نظام اسلامی و عدالت اجتماعی انجام پذیرد.
۵. تبیین حقوق بشردوستانه از منظر فقه نیازمند تلاش‌های بیشتر فقها و اندیشمندان اسلامی برای ارائه تفسیرهای نوین و هم‌خوان با نیازهای زمانه، بدون خدشه‌دار کردن اصول ثابت دینی است. این امر می‌تواند به تقویت گفت‌وگوی بین‌المللی و ارتقای جایگاه اسلام در عرصه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه کمک شایانی کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن أبي الحديد، عبد الحميد (۱۴۰۴ق) شرح نهج البلاغة - قم، بی نا، چاپ: ۱.
۲. ابن اشعث، محمد (بی تا) الجعفریات - تهران، دار الکتب.
۳. ابن الاثیر، عز الدین (۱۳۸۵) الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، چاپ: ۲.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶هـ) مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة، چاپ: ۱.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۰ق) الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ایران؛ قم، چاپ: ۱.
۶. ابن هشام، حمیری معافری (بی تا) السیرة النبویة، بیروت، دار المعرفة.
۷. ابی داود، سلیمان بن اشعث (۱۴۲۰) سنن، مصر، دار الحديث، چاپ: ۱.
۸. امامی، مسعود و همکاران (۱۳۹۵) دانشنامه اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه، تهران، میزان.
۹. برقی، ابو جعفر، احمد (۱۳۷۱) المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامية، چاپ: ۲.
۱۰. بلاذری، احمد (۱۴۱۷) أنساب الأشراف، بیروت، دار الفكر، چاپ: ۱.
۱۱. جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳) موسوعة الفقه الإسلامی، قم، مؤسسه دائرة المعارف، چاپ: ۱.
۱۲. حلبی، ابن ابی المجد (۱۴۱۴) إشارة السبق، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۱.
۱۳. حلبی، تقی الدین (۱۴۰۳هـ) الکافی فی الفقه، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین (ع)، چاپ: ۱.
۱۴. حلّی، ابن ادريس (۱۴۱۰) السرائر، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ: ۲.
۱۵. حلّی، علامه، حسن (۱۴۱۳) قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۱.
۱۶. حلّی، محقق، نجم الدین (۱۴۰۸) شرائع الإسلام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ: ۲.
۱۷. حلّی، محقق، نجم الدین (۱۴۱۸) المختصر النافع، قم، مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ: ۶.
۱۸. خویی، ابو القاسم موسوی (بی تا) مصباح الفقاهة.





۱۹. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹) نهج البلاغة (مترجم و شارح: فیض الإسلام)، تهران، چاپ: ۵.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳) مسالک الافهام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ: ۱.
۲۱. _____ (۱۴۱۰) الروضة البهية، قم، کتابفروشی داورى، چاپ: ۱.
۲۲. شیرازی، سید محمد حسینی (۱۴۲۸) من فقه الزهراء^(س)، قم، نشر رشید، چاپ: ۱.
۲۳. صدوق، محمد (۱۴۱۳) من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۲.
۲۴. طرابلسی، ابن براج، (۱۴۰۶) المذهب، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ: ۱.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷) المبسوط، تهران، المكتبة المرتضوية، چاپ: ۳.
۲۶. _____ (۱۴۰۷) تهذیب الأحکام، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ: ۴.
۲۷. قطب الدین، محمد بن حسین، (۱۴۱۶هـ) إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قم، مؤسسه امام صادق^(ع)، چاپ: ۱.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق) تفسیر القمی، قم، چاپ: ۳.
۲۹. قمی، تقی طباطبائی، ۱۴۰۰، دراساتنا من الفقه الجعفري، مطبعة الخيام، قم - ایران، اول.
۳۰. کاندهلوی، محمدیوسف (۱۴۲۵هـ) حياة الصحابة، بیروت، المكتبة العصرية.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷) الکافي، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ: ۴.
۳۲. کاشف الغطاء، محمد حسین (۱۳۵۹) نجف، تحرير المجلة، المكتبة المرتضوية، چاپ: ۱.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳) بحار الأنوار، بیروت، چاپ: ۲.
۳۴. محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳) حقوق بشر دوستانه بین المللی؛ رهیافت اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۵. نجفی، کاشف الغطاء، حسن (۱۴۲۲) أنوار الفقاهة، نجف، مؤسسه کاشف الغطاء، چاپ: ۱.
۳۶. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴) جواهر الکلام، بیروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ: ۷.
۳۷. نوری، حسین (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل، قم، چاپ: ۱.